

وقتی دفتر کار معنایی تازه می گیرد

فضاهای کار اشتراکی در ایران، فرصتی برای نوآوری و شبکه سازی به شمار می روند، اما چالش های قانونی و حمایتی مانع بهره گیری کامل از ظرفیت آن هاست

همزمان با تحولات بازار کار در دهه های اخیر، نوعی دگرگونی آرام، اما عمیق در شیوه ی کار کردن در حال وقوع است؛ حالا دیگر الزامی به اجاره یک دفتر رسمی یا استخدام پرسنل تمام وقت برای شروع فعالیت اقتصادی وجود ندارد. فضاهای کار اشتراکی (Coworking Spaces) به عنوان پاسخ خلافتانه به نیازهای متغیر بازار کار، روز به روز بیشتر مورد توجه قرار می گیرند؛ از استارت آپ ها تا فریلنسرها، از تیم های کوچک هنری تا مشاوران مستقل، همگی در این فضاها جایی برای تنفس، ارتباط و رشد می یابند. اما این انتخاب چه معنایی برای کاربران آن دارد؟ مزایا و موانع آن چیست؟ و ایران در این مسیر چقدر از جهان فاصله دارد؟ در ادامه به روایتهایی از کاربران این حوزه خواهیم پرداخت.

طراح گرافیک آزاد

«وقتی از خانه کار می کردم، بعد از مدتی حس می کردم زندگی و کارم در هم آمیخته. مرز نمی تونستم بذارم. اینجا، توی فضای اشتراکی، انگار دوباره مرز دارم. آدم ها با انگیزه هستن، گاهی فقط نگاه کردن به بقیه که دارن با جدیت کار می کنن باعث میشه منم متمرکز بشم.» نازنین یکی از ده ها فریلنسر تهرانی است که ماه هاست بخشی از روز خود را در فضای اشتراکی در باغ کتاب تهران می گذراند. برای او این فضا نه فقط یک میز و اینترنت پرسرعت، بلکه ساختاری برای نظم دادن به زندگی کاری است.

توسعه دهنده وب

«من با دو نفر دیگه که اینجا بودن، یه پروژه ی خارجی گرفتیم. اصلاً آگه تو خونه بودم همچنین اتفاقی نمی افتاد. این فضاها فقط برای تمرکز نیست، برای دیده شدن. ارتباطات خودجوشی که شکل می گیره با هیچ دوره ای از شبکه سازی حرفه ای قابل مقایسه نیست.» مجتبی به نقطه ای اشاره می کند که بسیاری از کاربران فضاهای کار اشتراکی بر آن تأکید دارند: ارتباطات اتفاقی و هم افزا که در این فضاها شکل می گیرد، گاهی تأثیرگذارتر از جلسات رسمی و رزومه های سنگین هستند.

بنیان گذار استارت آپ

«نه دفتر ثابت داریم، نه هزینه دفتر برامون به صرفه ست. فقط با مدل فضای اشتراکی تونستیم تیممون رو جمع کنیم. گرچه بعضی وقت ها به خاطر قوانین بیمه و مالیات دچار مشکل می شیم، چون آدرس پستی رسمی

نداریم، نمی تونیم خیلی از تسهیلات دولتی بگیریم.» فرزانه به یکی از موانع مهم اشاره می کند: عدم تطابق ساختارهای حقوقی و قانونی ایران با مدل کار اشتراکی. در حالی که این فضاها انعطاف پذیری بالایی دارند، قوانین موجود همچنان بر مبنای الگوهای سنتی تدوین شده اند.

مدرس زبان

«صادقانه بگم، فضای اشتراکی برای من همیشه مناسب نیست. گاهی شلوغه، گاهی مزاحمت صوتی هست و نمی تونم کلاس آنلاین برگزار کنم ولی به خاطر دسترسی، موقعیت مکانی و قیمت مناسب، همچنان انتخاب اولمه.» او بخشی از کاربران نمایندگی می کند که هم مزایا و هم معایب این فضاها را هم زمان تجربه می کنند. مشکلاتی چون نبود فضای شخصی، سرو صدا، یا نداشتن کنترل کامل بر محیط کار، از جمله مواردی است که برخی کاربران به آن اشاره دارند.

بررسی جایگاه ایران

در بسیاری از کشورها، فضاهای کار اشتراکی نه تنها به عنوان راه حلی برای کارآفرینان جوان شناخته می شوند، بلکه بخشی از سیاست های کلان توسعه شهری و اقتصاد



دیجیتال به شمار می آیند. در کشورهایی مانند آلمان، هلند، یا حتی اندونزی و مالزی، شهرداری ها با همکاری بخش خصوصی، این فضاها را به ابزار بازآفرینی شهری، کاهش بیکاری و توانمندسازی اقشار حاشیه ای تبدیل کرده اند. به عنوان مثال در آلمان، فضاهای کار اشتراکی نه تنها در برلین و مونیخ بلکه در شهرهای کوچک تر نیز گسترش یافته اند. شهرداری ها با ارائه معافیت های مالیاتی، اجاره ارزان در ساختمان های بازسازی شده ی شهری، و حتی حمایت از ایجاد شتاب دهنده ها در این فضاها، کوشیده اند تا مناطق کم تحرک اقتصادی را به کانون های نوآوری تبدیل کنند. پروژه هایی مانند Smart City Berlin نقش کلیدی برای فضاهای کار اشتراکی در کاهش بیکاری و جذب نیروی جوان تعریف کرده اند. یاد در آمستردام و روتردام هلند که دولت های محلی با واگذاری ساختمان های بلااستفاده (مانند انبارها یا مدارس متروکه) به شرکت های مدیریت فضای اشتراکی، با کمترین هزینه، توانسته اند هم از تخریب زیرساخت ها جلوگیری کنند و هم آن ها را به مراکز نوآوری محلی تبدیل نمایند. هلندی ها از فضاهای اشتراکی برای اتصال بین دانشگاه ها، صنایع خلاق، و جوامع محلی استفاده می کنند. این مدل مشارکتی موجب کاهش شکاف میان نهادهای تولید دانش و فضای واقعی بازار

شده است. در میان کشورهای آسیایی نیز دولت مالزی، به ویژه در کوالالمپور، سیاست های توسعه ی فضاهای اشتراکی را به سیاست های صنعتی و رشد شرکت های فناوری محور پیوند زده است. برنامه ی MaGIC (Malaysian Global Innovation & Creativity Centre) به عنوان یکی از مؤثرترین مراکز حمایت از نوآوری، با تأسیس و توسعه ی فضاهای کار اشتراکی در سراسر کشور، به توانمندسازی کارآفرینان اجتماعی، زنان و جوانان مناطق محروم کمک کرده است. ترکیب آموزش، فضای کار، مربیگری و دسترسی به سرمایه، این فضاها را به مراکزی برای تحول اقتصادی محلی تبدیل کرده اند. آنچه در همه ی این کشورها مشترک است، درک سیاست گذاران از ماهیت چندوجهی فضاهای کار

اشتراکی است. آن ها این فضاها را نه فقط به عنوان پاسخ به بحران دفتر کار، بلکه به عنوان ابزار احیای زیرساخت های شهری بلااستفاده، کاهش بیکاری و رشد اشتغال غیررسمی، گسترش نوآوری و صنایع خلاق و ایجاد اتصال ارگانیک میان مردم، دانش و صنعت در نظر گرفته اند. در ایران اما هنوز با تأخیر در سطح سیاست گذاری، خلأهای قانونی و بی توجهی نهادهای حمایتی روبرو هستیم. بسیاری از فضاهای اشتراکی هنوز فاقد مجوز رسمی اند، حمایت بیمه ای ندارند، یا به دلیل نداشتن «آدرس حقوقی قابل ثبت»، از خدماتی مانند تسهیلات بانکی یا ثبت شرکت محرومند. در مقابل، روحیه خلاق و سازگار فعالان ایرانی، باعث شده این فضاها در ایران هم رشد کنند. آنچه کم داریم، نه ایده یا انرژی انسانی، بلکه زیرساخت های حقوقی و حمایتی هماهنگ با این مدل های نوین کاری است.

انتخابی برای آینده

فضاهای کار اشتراکی، به ویژه در ایران، صرفاً پاسخی به مشکلات اقتصادی نیستند؛ بلکه تجسمی از یک سبک زندگی جدیدند. نسلی که میان نااطمینانی اقتصادی، گسترش فریلنسری و میل به استقلال شغلی حرکت می کند، در این فضاها خانه ای موقت اما پرتانسیل یافته است. با این حال، برای آنکه این فضاها بتوانند نقشی پایدار و مؤثر در اقتصاد کشور ایفا کنند، نیاز به بازبینی در قوانین، تعیین متولی مشخص، و نگاه حمایتی از سوی دولت وجود دارد. در غیر این صورت، این فرصت نیز همانند بسیاری فرصت های دیگر ممکن است به جای شکوفایی، در چرخه ی بی توجهی و محدودیت از بین برود.

اشتغال



A T I Y E N O

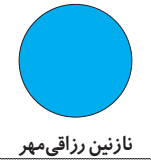
نکته
P O I N T

فضای کار اشتراکی ضرورت آینده ایران

ایران امروز در آستانه تحولی عمیق در ساختار اقتصادی و اجتماعی خود قرار دارد. نرخ بالای بیکاری در میان جوانان، رشد تصاعدی فارغ التحصیلان بدون فرصت شغلی، تغییر الگوهای اشتغال از مدل های سنتی به سمت فریلنسینگ و استارت آپ ها، و در نهایت فشار تورمی بر هزینه های دفتر و زیرساخت کسب و کار، همگی نشان دهنده یک نیاز فوری برای بازطراحی «فضای کار» در کشور است. در این میان، توسعه و حمایت از راه اندازی «فضاهای کار اشتراکی» نه فقط یک مدل اقتصادی نوین بلکه یک پاسخ راهبردی به نیازهای امروز و فردای بازار کار ایران به شمار می روند. برخلاف تصور رایج، فضای کار اشتراکی صرفاً یک محیط برای میز و اینترنت نیست. این فضاها زیرساختی حیاتی برای شکوفایی اکوسیستم نوآوری و کارآفرینی محسوب می شوند.

تجربه جهانی نشان داده که موفق ترین استارت آپ ها، شتاب دهنده ها و شبکه های خلاق، نه در ساختمان های بزرگ دولتی، بلکه در همین فضاهای اشتراکی شکل گرفته اند. کشورهایی مانند آلمان، هلند، اندونزی و مالزی از این مدل استفاده کرده اند تا همزمان با توسعه شهری، اشتغال زایی و تقویت نوآوری، عدالت مکانی و اجتماعی را هم تقویت کنند. در ایران، اما هنوز این فضاها به مرحله ی بلوغ نرسیده اند. با این حال، آینده ی این صنعت بسیار روشن است و می تواند یکی از معدود حوزه هایی باشد که پتانسیل تبدیل شدن به یک یونیورن (شرکتی با ارزش بیش از یک میلیارد دلار) را دارد. چرا؟ به چند دلیل روشن. نخست آنکه بازار ایران به شدت تشنه چنین فضاهایی است. هر روز بر تعداد نیروهای مستقل، فریلنسرها، تیم های کوچک استارت آپی و کارآفرینان فردی افزوده می شود که نیاز به فضای کاری منعطف، ارزان، شبکه محور و الهام بخش دارند. بسیاری از این افراد؛ نه توان اجاره دفتر دارند، نه انگیزه ای برای ورود به فضاهای سنتی. فضای کار اشتراکی برای آنان، نه فقط یک میز بلکه راهی برای ورود به یک جامعه حرفه ای، تبادل دانش و دسترسی به خدمات مکمل (حسابداری، حقوقی، مشاوره، منتورینگ و...) است.

دوم اینکه از نظر کیفی، فضاهای فعلی در ایران هنوز فاصله زیادی با استانداردهای جهانی دارند. این یعنی پتانسیل رشد بالا. هنوز در بسیاری از شهرهای بزرگ و مناطق نوظهور، چنین فضاهایی یا وجود ندارند یا صرفاً در سطح حداقلی فعالیت می کنند. فضا برای نوآوری در طراحی، مدل های کسب و کار، خدمات جانبی و تجربه کاربری باز است. آنچه در کشورهای پیشرو تجربه شده، در ایران می تواند در مقیاسی بومی سازی شده اجرا شود. دلیل سوم، ضعف دولت در حمایت مؤثر از اکوسیستم کارآفرینی است. زیرساخت های حمایتی دولتی هنوز ناکارآمد، بروکراتیک و گاه مداخله گرند. همین ضعف، تقاضای فضاهایی را که بتوانند به شکل مستقل، چابک و مبتنی بر مشارکت بخش خصوصی عمل کنند، افزایش داده است. فضاهای کار اشتراکی در چنین شرایطی به مراکزی برای خودیاری حرفه ای بدل می شوند؛ جایی که افراد بتوانند بدون انتظار از دولت، برای حل مسائل خود اقدام کنند. در نهایت، مزیت ارزان ساخت و زمین در ایران همراه با بازده بالای سرمایه گذاری، فضاهای کار اشتراکی را به فرصت جذابی برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی تبدیل کرده است. این در حالی است که طرح های شفاف و صندوق های تخصصی، ریسک را کاهش و ورود سرمایه را تسهیل می کنند.

نازنین رزاقی مهر
روزنامه نگار

“

فضاهای کار
اشتراکی در
ایران بستری
نوآورانه اند اما
چالش های
قانونی و
کمبود حمایت
مانع رشد
کامل آن ها
می شود

است. پیشنهاد کارشناسان، واگذاری این نقش به وزارت تعاون، با همکاری معاونت علمی برای فضاهای دانش بنیان است. دوم، تدوین قانون جامع برای حل مسائل بیمه، مالیات، حقوق مالکیت فکری، کدپستی، ثبت رسمی، تسهیلات بانکی و نظارت الزامی است. این قانون باید امکان ایجاد مدل های متنوع، از جمله برای زنان خانه دار، سالمندان و شهرهای کوچک را فراهم کند. سوم، اصلاح نگاه سنتی نهادهای دولتی به این پدیده، از طریق آموزش کارکنان، بازنگری آیین نامه ها و به روزرسانی رویکردهای توانمندسازهای اجرایی را کاهش دهد. چهارم، از نظر اقتصادی باید حمایت های مالی و تسهیل فرایندهای قانونی برای استارت آپ ها و تیم های خلاق گسترش یابد. ارائه تسهیلات کم بهره، سرمایه گذاری جسورانه و حمایت از فریلنسرها و افراد فاقد بیمه رسمی نیز از راهکارهای پیشنهادی دیگر است. در نهایت، مشارکت فعالان و انجمن های این حوزه در تصمیم گیری ها و تدوین سیاست ها، شرط موفقیت برنامه های توسعه ای است.

چشم انداز آینده

فضاهای کار اشتراکی دیگر صرفاً جایگزینی برای دفاتر سنتی به شمار نمی روند، بلکه پاسخی به نیازهای پیچیده بازار کار مدرنند. در ایران، با بحران های ساختاری در اشتغال، کاهش سرمایه گذاری و بیکاری جوانان، این فضاها می توانند الگوهای اشتغال را بازتعریف کنند؛ در حالی که بدون اصلاح قوانین، تعیین متولی واحد و حمایت مؤثر، ظرفیت آن ها به طور کامل شکوفا نخواهد شد.

شرکت های نوپا را کند و فریلنسرها را با مشکلات بیمه و مالیات مواجه کرده است. جعفرپور نیز از نگاه سنتی وزارتخانه ها و نهادهایی چون وزارت ارتباطات و وزارت اقتصاد انتقاد می کند و می گوید قوانین قدیمی پاسخگوی نیازهای امروز نیستند. بیش از ۸۵ درصد فعالان این فضاها در حوزه اقتصاد دیجیتال فعالیت می کنند، اما وزارت ارتباطات در تعامل با آن ها تردید دارد و وزارت اقتصاد هم چارچوب مالیاتی شفافی ارائه نداده است.

اقدامات دولت و مجلس

در نشست با فعالان این حوزه، محسن حسینی از برنامه هایی برای تسهیل فعالیت فریلنسرها و شرکت های مستقر در فضاهای اشتراکی خبر داد؛ از جمله امکان دریافت مجوز فعالیت به عنوان مشاغل خانگی، افزایش سقف تسهیلات اشتغال زایی به ۲۵۰ میلیون تومان و همکاری با وزارت ارتباطات، معاونت علمی، بنیاد ملی نخبگان و وزارت علوم. زینب قیصری، نماینده مجلس نیز اعلام کرد که مجلس آماده است برای رفع موانع قانونی این فضاها وارد عمل شود و نظام مسائل این حوزه را از طریق کمیسیون تولید پیگیری کند.

راهبردهای توسعه پایدار فضاها

برای نقش آفرینی مؤثر فضاهای کار اشتراکی در آینده بازار کار ایران، باید مجموعه ای از اقدامات سیاستی، قانونی، فرهنگی و مالی انجام شود. نخست، تعیین یک متولی واحد برای سیاست گذاری و نظارت ضروری

ظرفیت های نهفته در دل اقتصاد نوین

گردهمایی نیروهای متخصص در محیطی مشترک، امکان شبکه سازی، ایده پردازی و شکل گیری پروژه های خلاق را فراهم می آورد

مهرناز کمانگری، بنیانگذار کارخانه نوآوری «هفت و هشت» نیز می گوید از سال ۱۳۹۳ و با رشد استارت آپ ها، ایجاد این فضاها با هدف رشد تیم های نوآور آغاز شد. به باور او، فرهنگ اقتصاد اشتراکی در ایران رو به گسترش است و با واکامت شرایط اقتصادی، نیاز به این فضاها بیشتر می شود. این مکان ها با جمع کردن افراد متخصص در یک محیط مشترک، فرصت همکاری، یادگیری و شکل گیری هویت حرفه ای را فراهم می کنند و می توانند منبعی برای ایده پردازی و ایجاد پروژه های تازه باشند.

موانع حقوقی و اجرایی

با وجود ظرفیت بالا، این فضاها در ایران با موانع جدی روبرو هستند. مهم ترین مشکل، نبود نهاد مشخص برای تنظیم گری و صدور مجوز است. در حال حاضر، وزارت تعاون و معاونت علمی ریاست جمهوری هر دو مجوز صادر می کنند، اما هماهنگی و سیاست گذاری واحد وجود ندارد. فرشاد جعفرپور، دبیر انجمن فضای کار اشتراکی، می گوید متولی باید فراتر از صدور مجوز، مسئول حل مشکلات، تدوین آیین نامه و ارائه حمایت های مالی باشد. مشکل دیگر، ناسازگاری قوانین موجود با مدل کاری حاضر در یک فضای کار اشتراکی را زیر یک کد کارگامی مشترک ثبت می کند، در حالی که فعالیت آن ها مستقل است. همچنین شرکت ملی پست برای این فضاها کد پستی مجزا صادر نمی کند. به گفته کمانگری، نبود قانون مشخص روند رشد

در دهه اخیر، تحولات اقتصاد دیجیتال، رشد فریلنسری و گسترش استارت آپ ها، ساختار سنتی بازار کار را دگرگون کرده و نیاز به فضاهای کاری منعطف و کم هزینه را افزایش داده است. فضاهای کار اشتراکی (COWORKING SPACES) به عنوان پاسخی نوآورانه به این نیاز، در بسیاری کشورها رشد چشمگیر داشته اند. در ایران، با بحران های اقتصادی، بیکاری جوانان و محدودیت سرمایه گذاری، این فضاها می توانند به کاهش هزینه های ورود به بازار کار، توسعه اقتصاد غیررسمی و ایجاد اشتغال پایدار کمک کنند. آن ها علاوه بر فراهم کردن محیطی کم هزینه برای فعالیت حرفه ای، فرهنگ کار گروهی، تبادل دانش و شبکه سازی را تقویت می کنند.

افزایش اجاره ها، کمبود زیرساخت در شهرهای کوچک و مشکلات قانونی، بسیاری از کسب و کارهای نوپا را از داشتن دفتر شخصی محروم کرده است. در چنین شرایطی، فضای کار اشتراکی ضرورتی اقتصادی و اجتماعی است. تجربه جهانی نشان می دهد که سرمایه گذاری در این حوزه می تواند بیکاری را کاهش و بهروری ملی را ارتقا دهد. بر اساس آمار رسمی، ۲۹۱ فضای کار اشتراکی در کشور فعال است، اما برآوردها این رقم را ۴۰۰ تا ۵۰۰ واحد می دانند.

فرصت های نوین همکاری حرفه ای

به گفته سید محسن حسینی، معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، این فضاها بستری برای مشاغل نوین، از جمله فریلنسری و استارت آپ ها فراهم کرده و با هزینه کمتر، امکان ریسک پذیری بیشتری دارند.